

امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

بر اساس حدیث مؤاخات

مجید مطهری راد

بنیاد فرهنگی امامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

از مهمترین مسائل تأثیرگذار در زندگی بشریت مسئله امامت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله است. از این رو برخی قائل به جانشینی ابوبکر گردیده‌اند و بر آن ادله اقامه کرده‌اند و برخی دیگر این انتخاب را صحیح ندانسته و جانشین بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله را امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام دانسته‌اند. یکی از ادله کسانی که قائل به امامت امیرالمؤمنین علیه السلام هستند ماجرای مؤاخات و پیوند برادری است که توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین علیه السلام ایجاد گردید. از این رو در این مقاله به دنبال پاسخ دادن به این سؤال هستیم که آیا حدیث مؤاخات از اعتبار کافی برای استدلال برخوردار است و آیا با این حدیث می‌توان بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام استدلال نمود؟ در مقاله پیش رو با روش کتابخانه‌ای مطالب گردآوری و تحلیل شده است و از مهمترین نتایج آن اثبات افضلیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و در نتیجه امامت ایشان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مؤاخات، برادری، امامت، افضل، امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

شناخت امام حق از مهمترین مسائل اعتقادی است؛ زیرا که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید دو دسته امام وجود دارند، دسته اول امامی که به امر پروردگار بندگان را هدایت می کند، و دسته دوم امامی که مردم را به طرف آتش دعوت می کند.^۱

از این سو شناخت امام هدایتگر از مهمترین مسائل در مسیر سعادت بشریت است. اما از آنجا که دشمنان انس و جن همواره در تلاش برای کشاندن افراد به طرف امام آتش هستند، بیان ادله و معرفی و شناخت امام هدایت باعث نجات بندگان است.

هر چقدر ادله شناخت امام هدایت بیشتر باشد، شناخت امام راحتتر و واضحتر خواهد بود و راههای فریب دشمنان انسی و جنی کمتر می شود، بنابراین ما نیز در این مقاله به دنبال بیان یکی دیگر از ادله اثبات و شناخت امام هدایت هستیم.

شیعیان بر این نظر معتقد هستند که امام هدایت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند و غیر از ایشان امام دعوت کننده به آتش است. در مقابل اهل تسنن بر این باور هستند که امام و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر است.

سؤالی که در مقاله پیش رو به دنبال پاسخ آن هستیم، این است که آیا ماجرای مؤاخات و برادری که توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله بین اصحاب و مهاجرین و انصار شکل گرفت و در این ماجرا ایشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان برادر خود انتخاب فرمودند، دلالت بر امام هدایت و بر حق بودن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و در نتیجه جانشین ایشان بودن، دارد یا خیر؟

۱ «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» الأنبياء ۲۱: ۷۳.

۲ «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» القصص ۲۸: ۴۱.

در مقاله پیش‌رو بر اساس روایات موجود در کتب اهل تسنن به اثبات دلالت ماجرای مؤاخات بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستیم تا با اثبات این مهم اهل تسنن نیز ملزم به پذیرش امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گردند.

استدلال بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر اساس حدیث مؤاخات به صورت مستقل در کتب و مقالات کار نشده است و فقط در برخی کتب به صورت جزئی و صرف اشاره از آن بهره برده شده است، از این رو مقاله پیش‌رو مطلبی نو و جدید در مسیر اثبات امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌باشد.

فصل اول: گزارش اجمالی از متون حدیث مؤاخات

در متون روایی و تاریخی اهل تسنن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام به عنوان برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی گردیده است. مرتبه‌ای در روز انذار عشیره فرمودند: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ»؛ گاهی در هنگام دعا کردن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام را به عنوان برادر خود معرفی می‌کردند، کما اینکه فرمودند: «اللهم اجعل لي وزيراً من أهلي أخي عليا، اشدد به أزرِي وأشركه في أمري»؛ گاهی با بیان اوصاف باب بهشت، کما اینکه فرمودند: «مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ»؛ و دو مرتبه نیز در ماجرای پیوند برادری و مؤاخات^۲ بین اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با یکدیگر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام را به عنوان برادر خود معرفی فرمودند.

در برخی نقل‌ها بیان گردیده است که پیمان مؤاخات دو مرتبه صورت گرفته است، یک مرتبه در شهر مکه و یک مرتبه در شهر مدینه، و در هر دو مرتبه رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام را به عنوان برادر خود انتخاب فرمودند.^۳

ابتدا در این مقاله به طور کلی به عبارات مختلف در بیان برادری رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره می‌نماییم تا مخاطبین با عبارات این ماجرا آشنا شوند.

۳ یکی از کارهایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام دادند، پیوند برادری ما بین صحابه بوده است. این عمل ایشان دو مرتبه صورت گرفت، یک مرتبه در مکه و یک مرتبه در مدینه. رسول خدا صلی الله علیه و آله صحابه خود را جمع کردند و بین آنها دو نفر دو نفر ایجاد برادری کردند و در نهایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام را به عنوان برادر خود انتخاب نمودند. این کار رسول خدا صلی الله علیه و آله به مؤاخاة شهرت یافت.

۴ النمری القرطبی، یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب: ۳ / ۱۰۹۸-۱۰۹۹؛ عزالدین بن الاثیر، علی بن ابی الکرم محمد بن محمد بن عبد الکریم، أسد الغابة فی معرفة الصحابة: ۴ / ۸۸؛ الیعمری، محمد بن محمد بن محمد بن سید الناس، عیون الأثر: ۱ / ۳۲۱؛ الجوزیه، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم، زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۳ / ۳۳۳؛ العسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، فتح الباری: ۷ / ۲۷۰؛ السمهودی، علی بن عبد الله بن أحمد الحسنی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى: ۱ / ۲۰۷؛ القسطلانی، أحمد بن محمد بن ابی بکر بن عبد الملك، إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری: ۶ / ۲۳۶.

عبارت اول: «أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

یکی از عباراتی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت به برادری خود با امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان می‌دارند، خطاب عبارت: «أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» است که در این کلام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به صراحت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان برادر خود معرفی می‌کنند.

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: ترمذی در سنن الترمذی^۵، احمد بن محمد بن زیاد بن الاعرابی در معجم شیوخ ابن الاعرابی^۶، حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین^۷، ابن عبدالبر در الاستیعاب^۸، گنجی شافعی در کفایة الطالب^۹، ابن مغازلی در مناقب علی^{۱۰}، بغوی در مصابیح السنة^{۱۱}، ابن عساکر در تاریخ دمشق^{۱۲}، ابن اثیر در جامع الاصول^{۱۳} و اسد الغابة^{۱۴}، نووی در تهذیب الأسماء و اللغات^{۱۵}، طبری در الرياض النضرة^{۱۶}، خطیب تبریزی در مشکاة المصابیح^{۱۷}، مزی در تهذیب الکمال^{۱۸}، تقی الدین الفاسی در العقد الثمین^{۱۹}، ابن الجزری در مناقب الأسد الغالب علی بن ابی طالب^{۲۰}، عینی در عمدة القاری شرح صحیح البخاری^{۲۱}، سیوطی

۵ الترمذی، محمد بن عیسی بن سورۀ بن موسی بن الضحاک، سنن الترمذی: ۶ / ۸۴ ح ۳۷۲۰.

۶ البصری الصوفی، أحمد بن محمد بن زیاد بن بشر، معجم شیوخ ابن الاعرابی: ۲ / ۶۸۱ ح ۱۳۶۶.

۷ الحاکم النیشابوری، محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه، المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۱۵-۱۶ ح ۴۲۸۸ و ۴۲۸۹.

۸ النمری القرطبی، یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب: ۳ / ۱۰۹۸-۱۰۹۹.

۹ الکنجی الشافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب: ۱۹۳-۱۹۴.

۱۰ المغازلی، علی بن محمد بن محمد بن الطیب، مناقب علی لابن المغازلی: ۸۸-۸۹ ح ۵۷ و ۵۹.

۱۱ البغوی، حسین بن مسعود بن محمد بن الفراء، مصابیح السنة: ۴ / ۱۷۳ ح ۴۷۶۹.

۱۲ ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، تاریخ دمشق لابن عساکر: ۴۲ / ۵۰-۵۲.

۱۳ الجزری، المبارک بن محمد بن محمد بن محمد، جامع الأصول: ۸ / ۶۴۹ ح ۶۴۸۷.

۱۴ عزالدین بن الاثیر، علی بن ابی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم، أسد الغابة فی معرفة الصحابة: ۴ / ۸۸.

۱۵ النووی، محیی الدین یحیی بن شرف، تهذیب الأسماء و اللغات: ۱ / ۳۴۸.

۱۶ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة فی مناقب العشرة: ۱ / ۲۸ و ۳ / ۱۲۴.

۱۷ التبریزی، محمد بن عبد الله الخطیب العمری، مشکاة المصابیح: ۳ / ۱۷۲۱.

۱۸ المزی، یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: ۲۰ / ۴۸۴.

۱۹ الحسنی الفاسی، تقی الدین محمد بن أحمد، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: ۵ / ۲۷۲.

۲۰ الجزری، محمد بن محمد بن یوسف، مناقب الأسد الغالب علی بن ابی طالب: ۲۱-۲۲ ح ۱۵ و ۱۶.

۲۱ العینی، محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری: ۲ / ۱۴۷.

در الفتح الكبير^{۲۲} و تاریخ الخلفاء^{۲۳}، متقی هندی در کنز العمال^{۲۴} و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

عبارت دوم: «أَنْتَ أَخِي، وَأَنَا أَخُوكَ»

دومین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمودند: «أَنْتَ أَخِي، وَأَنَا أَخُوكَ».

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارات بزرگان اهل تسنن همچون: احمد بن حنبل در فضائل الصحابة^{۲۵} ابن نجار در تاریخ بغداد و ذیوله^{۲۶}، گنجی شافعی در کفایة الطالب^{۲۷}، ابن مغازلی در مناقب علی^{۲۸}، ابن عساکر در تاریخ دمشق^{۲۹}، طبری در ذخائر العقبی^{۳۰} و الرياض النضرة^{۳۱}، ابن ملقن در التوضیح لشرح الجامع الصحیح^{۳۲}، ابن حجر عسقلانی در المطالب العالیة^{۳۳}، متقی هندی در کنز العمال^{۳۴} و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

-
- ۲۲ السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، الفتح الكبير فی ضم الزیادة إلى الجامع الصغير: ۱/ ۲۷۷.
- ۲۳ السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، تاریخ الخلفاء: ص ۲۸۸.
- ۲۴ المتقی الهندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۱۱/ ۵۹۸ ح ۳۲۸۷۹.
- ۲۵ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة: ۲/ ۵۹۷-۵۹۸ ح ۱۰۱۹.
- ۲۶ الخطیب التبریزی، أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد، تاریخ بغداد و ذیوله: ۲۰/ ۸۹ ش ۱۲۲۷.
- ۲۷ الکنجی الشافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب: ۱۹۲-۱۹۳ و ۱۹۴-۱۹۵.
- ۲۸ المغازلی، علی بن محمد بن محمد بن الطیب، مناقب علی لابن المغازلی: ۱۶۸-۱۶۹ ح ۱۵۴.
- ۲۹ ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، تاریخ دمشق لابن عساکر: ۱۸/ ۴۲ و ۵۲ و ۶۱.
- ۳۰ الطبری، أحمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی: ص ۱۲۴.
- ۳۱ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة فی مناقب العشرة: ۳/ ۱۲۵.
- ۳۲ ابن ملقن، عمر بن علی بن أحمد الشافعی المصری، التوضیح لشرح الجامع الصحیح: ۲۰/ ۳۰۳.
- ۳۳ العسقلانی، أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، المطالب العالیة محققا: ۱۶/ ۸۶ ح ۳۹۲۷.
- ۳۴ المتقی الهندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۱۱/ ۶۰۸ ح ۳۲۹۳۹ و ۱۳/ ۱۴۰ ح ۳۶۴۴۰.

عبارت سوم: «أَنْتَ أَخِي وَوَارِثِي»

سومین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این کلامی است که هم دلالت بر برادری آن حضرت با رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد و هم دلالت بر ارث بردن امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَنْتَ أَخِي وَوَارِثِي».

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: عبدالله بن احمد بن حنبل و قطیعی در فضائل الصحابة^{۳۰}، بغوی در معجم الصحابة^{۳۱}، ابن حبان در السيرة النبوية^{۳۲}، آجری در الشريعة^{۳۳}، ابن عساکر در تاریخ دمشق^{۳۴}، طبری در الرياض النضرة^{۳۵}، متقی هندی در کنز العمال^{۳۶}، و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

چهارمین عبارت: «أَنْتَ أَخِي وَصَاحِبِي»

چهارمین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمودند: «أَنْتَ أَخِي وَصَاحِبِي».

۳۵ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة: ۲/ ۶۳۸-۶۳۹ ح ۱۰۸۵ و ۲/ ۶۶۶-۶۶۷ ح ۱۱۳۷.

۳۶ البغوی، عبد الله بن محمد بن عبد العزيز، معجم الصحابة: ۲/ ۵۳۱.

۳۷ الدارمی، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ، السيرة النبوية وأخبار الخلفاء: ۱/ ۱۴۹.

۳۸ الآجری، محمد بن الحسين بن عبد الله، الشريعة: ۴/ ۱۷۵۸-۱۷۵۹.

۳۹ ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، تاریخ دمشق لابن عساکر: ۲۱/ ۴۱۵ و ۴۲/ ۵۳.

۴۰ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة فی مناقب العشرة: ۱/ ۲۵-۲۶.

۴۱ المتقی الهندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۹/ ۱۶۷ ح ۲۵۵۵۴ و ۹/ ۱۶۷-۱۷۰ ح ۲۵۵۵۵ و ۱۳/ ۱۰۵-۱۰۶ ح ۳۳۳۴۵.

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: ابن ابی شیبیه در المصنف^۲، احمد بن حنبل در مسند^۳، نسائی در خصائص علی^۴، ابو یعلی در مسند^۵، آجری در الشریعة^۶، ابن عبد البر در الاستیعاب^۷، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد^۸، ابن عساکر در تاریخ دمشق^۹، هیشمی در مجمع الزوائد و منبع الفوائد^{۱۰}، متقی هندی در کنز العمال^{۱۱} و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

پنجمین عبارت: «أَنْتَ أَخِي، وَأَبُو وَلَدِي»

پنجمین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این کلام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین علی علیه السّلام است که فرمودند: «أَنْتَ أَخِي، وَأَبُو وَلَدِي».

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: قطیعی در فضائل الصحابة^{۱۲}، ابو یعلی موصلی در مسند^{۱۳}، ابن عساکر در تاریخ دمشق^{۱۴}، طبری در ذخائر العقبی^{۱۵} و الرياض

-
- ۴۲ العبسی، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان، المصنف: ۶ / ۳۷۵ ح ۳۲۱۴۱.
- ۴۳ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، مسند أحمد: ۳ / ۴۸۰ ح ۲۰۴۰.
- ۴۴ النسائی، أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، خصائص علي: ۸۳-۸۴ ح ۶۶.
- ۴۵ التميمي الموصلي، أحمد بن علي بن المثنى بن يحيى، مسند أبي يعلى: ۴ / ۲۶۶-۲۶۷ ح ۲۳۷۹.
- ۴۶ الأجرى، محمد بن الحسين بن عبد الله، الشريعة: ۵ / ۲۲۳۸-۲۲۳۹ ح ۱۷۲۱.
- ۴۷ النمري القرطبي، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب: ۳ / ۱۰۹۸.
- ۴۸ الخطيب التبريزي، أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد، تاريخ بغداد وذيله: ۱۲ / ۲۶۳ ح ۶۷۱۲.
- ۴۹ ابن عساکر، علي بن الحسن بن هبة الله، تاريخ دمشق لابن عساکر: ۴۲ / ۵۳.
- ۵۰ هیشمی، نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان، مجمع الزوائد و منبع الفوائد: ۴ / ۳۲۳-۳۲۴.
- ۵۱ المتقی الهندی، علي بن حسام الدين ابن قاضي خان، كنز العمال: ۱۳ / ۱۰۹ ح ۳۶۳۵۶ و ۱۳ / ۱۵۰ ح ۳۶۴۶۸.
- ۵۲ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة: ۲ / ۶۵۶ ح ۱۱۱۸.
- ۵۳ التميمي الموصلي، أحمد بن علي بن المثنى بن يحيى، مسند أبي يعلى: ۱ / ۴۰۲-۴۰۳ ح ۵۲۸.
- ۵۴ ابن عساکر، علي بن الحسن بن هبة الله، تاريخ دمشق لابن عساکر: ۴۲ / ۵۴-۵۵.
- ۵۵ الطبري، أحمد بن عبد الله، ذخائر العقبی في مناقب ذوى القربى: ص ۱۲۴.

النضرة^{۶۶}، هیشمی در مجمع الزوائد و منبع الفوائد^{۶۷}، ابن حجر عسقلانی در المطالب العالیة^{۶۸}، متقی هندی در کنز العمال^{۶۹}، و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

ششمین عبارت: «أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ: هَذَا أَخِي»

ششمین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این کلام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرمودند: «أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ: هَذَا أَخِي».

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: ابن هشام در سیرة^{۷۰}، ابو الربیع کلاعی در الاكتفاء^{۷۱}، طبری در الرياض النضرة^{۷۲}، ابن اثیر در البداية و النهاية^{۷۳}، سمهودی در وفاء الوفاء^{۷۴}، ابن حجر هیتمی در الفتاوی الحدیثیة^{۷۵}، و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

هفتمین عبارت: «هَذَا أَخِي، وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي»

هفتمین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این کلام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرمودند: «هَذَا أَخِي، وَوَصِيِّي».

۵۶ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة في مناقب العشرة: ۳/ ۱۲۴.

۵۷ هیشمی، نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان، مجمع الزوائد و منبع الفوائد: ۹/ ۱۲۱-۱۲۲.

۵۸ العسقلانی، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، المطالب العالیة محققا: ۱۶/ ۱۴۰ ح ۳۹۴۲.

۵۹ المتقی الهندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۱۳/ ۱۵۹ ح ۳۶۴۹۱.

۶۰ الحمیری، عبد الملك بن هشام بن أيوب، سیرة ابن هشام: ۱/ ۵۰۴-۵۰۵.

۶۱ الحمیری، سلیمان بن موسی بن سالم بن حسان، الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله و الثلاثة الخلفاء: ۱/ ۲۹۶-۲۹۸.

۶۲ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة في مناقب العشرة: ۱/ ۲۶-۲۷.

۶۳ القرشی البصری، إسماعیل بن عمر بن كثير، البداية و النهاية: ۴/ ۵۶۰.

۶۴ السمهودی، علی بن عبد الله بن أحمد الحسنی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى: ۱/ ۲۰۷.

۶۵ الهیتمی، أحمد بن محمد بن علی بن حجر، الفتاوی الحدیثیة لابن حجر الهیتمی: ص ۵۵.

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: طبری در تهذیب الآثار^{۶۶}، بغوی در معالم التنزیل^{۶۷}، ابن اثیر در الکامل فی التاریخ^{۶۸}، ابو الفداء در المختصر فی اخبار البشر^{۶۹}، علاء الدین علی بن محمد در تفسیر الخازن^{۷۰}، متقی هندی در کنز العمال^{۷۱} و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

هشتمین عبارت: «مَكْتُوبٌ عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ»

هشتمین عبارتی که در متون اهل تسنن دلالت بر مؤاخات و برادری بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام است دارد این جمله نوشته شده بر سر در بهشت است: «مَكْتُوبٌ عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ».

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: احمد بن حنبل در فضائل الصحابة^{۷۲}، طبرانی در معجم الاوسط^{۷۳}، ابو نعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء^{۷۴}، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد^{۷۵}، دیلمی در الفردوس^{۷۶}، ابن عساکر در تاریخ دمشق^{۷۷}، طبری در ذخائر العقبی^{۷۸} و

۶۶ الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر، تهذیب الآثار مسند علی: ۳/ ۶۲-۶۳ ح ۱۲۷.

۶۷ البغوی، أبو محمد الحسین بن مسعود، تفسیر البغوی: ۶/ ۱۳۱.

۶۸ الجزری، علی بن ابی‌الکرم محمد بن محمد بن عبد‌الکریم، الکامل فی التاریخ: ۱/ ۶۶۰-۶۶۱.

۶۹ الملک المؤید، عماد‌الدین إسماعیل بن علی بن محمود بن محمد، المختصر فی أخبار البشر: ۱۱۶۱-۱۱۷.

۷۰ الشیخی، علی بن محمد بن إبراهیم بن عمر، تفسیر الخازن لباب التأویل فی معانی التنزیل: ۳۳۲/۳-۳۳۳.

۷۱ المتقی الهندی، علی بن حسام‌الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۱۳/ ۱۱۴ ح ۳۶۳۷۱ و ۱۳/ ۱۳۱-۱۳۳ ح ۳۶۴۱۹.

۷۲ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة: ۲/ ۶۶۵ ح ۱۱۳۴ و ۲/ ۶۶۸-۶۶۹ ح ۱۱۴۰.

۷۳ الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر، المعجم الأوسط: ۵/ ۳۴۳ ح ۵۴۹۸.

۷۴ الاصبهانی، أحمد بن عبد‌الله بن أحمد بن إسحاق بن موسی، حلیة الاولیاء وطبقات الاصفیاء: ۷/ ۲۵۶.

۷۵ الخطیب التبریزی، أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد، تاریخ بغداد وذیولہ: ۷/ ۳۹۸ ش ۳۹۱۹.

۷۶ الدیلمی، شیرویه بن شهردار بن شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب: ۲/ ۲۵۷ ح ۳۱۹۵.

۷۷ ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، تاریخ دمشق لابن عساکر: ۴۲/ ۵۹ و ۶۲ و ۵۶/ ۷۲-۷۳.

۷۸ الطبری، أحمد بن عبد‌الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی: ص ۱۲۴.

الرياض النضرة^{۷۹}، هیثمی در مجمع الزوائد و منبع الفوائد^{۸۰}، متقی هندی در کنز العمال^{۸۱}، مناوی در فیض القدير^{۸۲} و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

نهمین عبارت: «أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ»

نهمین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این بیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که ایشان به برادری با رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره فرمودند با این عبارت: «أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ».

این عبارت را بزرگان اهل تسنن همچون: ابن سعد در الطبقات الكبرى^{۸۳}، ابن ابی شیبہ در المصنف^{۸۴}، قطیعی در فضائل الصحابة^{۸۵}، ابن ماجه در سنن^{۸۶}، ابن ابی عاصم در السنة^{۸۷}، نسائی در خصائص علی^{۸۸} و السنن الكبرى^{۸۹}، حاکم نیشابوری در المستدرک^{۹۰}، ثعلبی در الكشف و البيان^{۹۱}، ابونعیم در معرفة الصحابة^{۹۲}، و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

دهمین عبارت: «خَيْرُ إِخْوَانِي عَلِيٌّ»

دهمین عبارتی که در متون اهل تسنن در موضوع حدیث مؤاخات بیان شده است این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمودند: «خَيْرُ إِخْوَانِي عَلِيٌّ».

۷۹ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة في مناقب العشرة: ۳ / ۱۲۵.

۸۰ هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، مجمع الزوائد و منبع الفوائد: ۹ / ۱۱۱.

۸۱ المتقی الهندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۱۱ / ۶۲۴ ح ۳۳۰۴۳ و ۱۳ / ۱۳۸ ح ۳۶۴۳۵.

۸۲ المناوی، زین الدین محمد المدعو بعبد الرؤوف، فیض القدير: ۴ / ۳۵۵.

۸۳ ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی، الطبقات الكبرى: ۲ / ۱۷.

۸۴ العبسی، عبد الله بن محمد بن ابراهیم بن عثمان، المصنف: ۶ / ۳۶۷ ح ۳۲۰۷۹ و ۳۶۸ ح ۳۲۰۸۴.

۸۵ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة: ۲ / ۵۸۶ ح ۹۹۳ و ۶۱۷ ح ۱۰۵۵.

۸۶ ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی، سنن ابن ماجه: ۱ / ۸۷ ح ۱۲۰.

۸۷ الشیبانی، أحمد بن عمرو بن الضحاک، السنة: ۲ / ۵۹۸ ح ۱۳۲۴.

۸۸ النسائی، أحمد بن شعيب بن علی الخراسانی، خصائص علی: ۲۴-۲۵ ح ۷ و ۸۵ ح ۶۷.

۸۹ النسائی، أحمد بن شعيب بن علی الخراسانی، سنن الكبرى: ۷ / ۴۰۹ ح ۸۳۳۸ و ۴۳۲ ح ۸۳۹۸.

۹۰ الحاکم النیشابوری، محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه، المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۱۲۰-۱۲۱ ح ۴۵۸۴.

۹۱ الثعلبی، أحمد بن محمد بن ابراهیم، الكشف و البيان: ۵ / ۸۵.

۹۲ الاصبهانی، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق، معرفة الصحابة: ۱ / ۸۶ ح ۳۳۹.

ماجرای حدیث مؤاخات را با این عبارت بزرگان اهل تسنن همچون: ابن مغازلی در مناقب علی^{۹۳}، ابن حجر عسقلانی در الاصابة^{۹۴}، و دیگر بزرگان اهل تسنن بیان کرده‌اند.

در کتب اهل تسنن با عباراتی دیگر مثل «ونعم الأخ أخوك علي^{۹۵}» و «عَليُّ أَخِي^{۹۶}» و «آخی رسول الله ... بینی و بین نفسه^{۹۷}» و «من أهلی أخی علیا^{۹۸}» به ماجرای برادری و مرآخاة بین رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره شده است.

۹۳ المغازلی، علی بن محمد بن محمد بن الطیب، مناقب علی لابن المغازلی: ۸۸-۸۹ ح ۵۸.

۹۴ العسقلانی، أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، الإصابة فی تمييز الصحابة: ۳/ ۴۵۸ ش ۴۳۵۵.

۹۵ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة: ۲/ ۶۶۳-۶۶۴ ح ۱۱۳۱؛ المغازلی، علی بن محمد بن محمد بن الطیب، مناقب علی لابن المغازلی: ۹۴-۹۵ ح ۶۵ و ۱۲۱ ح ۹۶؛ ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، تاریخ دمشق لابن عساکر: ۳۹/ ۲۰۰-۲۰۱ و ۴۲/ ۵۷-۵۸؛ الطبری، أحمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی: ص ۱۳۸؛ المتقی الهندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۱۱/ ۴۸۷ ح ۳۲۲۹۷ و ۱۱/ ۶۳۴ ح ۳۳۰۸۸ و ۱۳/ ۲۳۵ ح ۳۶۷۰۶.

۹۶ الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة: ۲/ ۶۶۶ ح ۱۱۳۵؛ الاصبهانی، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق، فضائل الخلفاء الراشدين لأبی نعیم الأصبهانی: ۱۷۹ ح ۲۳۳؛ ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، تاریخ دمشق لابن عساکر: ۳۹/ ۱۰۲ ح ۷۸۷۷.

۹۷ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة فی مناقب العشرة: ۱/ ۲۸؛ المتقی الهندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی خان، کنز العمال: ۱۳/ ۱۲۰ ح ۳۶۳۸۴.

۹۸ الطبری، أحمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی: ص ۱۱۹؛ الطبری، أحمد بن عبد الله، الرياض النضرة فی مناقب العشرة: ۳/ ۱۱۸؛ الهروی، علی بن سلطان محمد، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح: ۱۰/ ۴۵۶؛ العصامی، عبد الملك بن حسین بن عبد الملك، سمط النجوم العوالی فی أبناء الأوائل والتوالی: ۳/ ۳۰.

فصل دوم: صحت و اعتبار برادری و مؤاخات

با توجه به نقل های صورت گرفته به این نتیجه می توان رسید که این ماجرا از صحت و اعتبار برخوردار است زیرا هم در کتب معتبر صحاح نقل شده است، و هم دارای تواتر است، و همچنین برای نمونه یک سند از اقوال را به طور خلاصه تصحیح می نمایم.

تواتر حدیث

با بررسی اسانید روایات برادری امیر المؤمنین علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله به این نتیجه می رسیم که این ماجرا و پیوند از نظر مبانی اهل تسنن هم بر مبنای مشهور^{۹۹} و هم بر مبنای غیر مشهور^{۱۰۰} دارای تواتر است. بنابراین در صحت این ماجرا و ایجاد برادری ما بین امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله شک و تردیدی وجود ندارد. سند این فضیلت به افراد صحابی زیر منتهی می شود:

- 1 - امیر مؤمنان علی (علیه السلام) 2 - عمر بن خطاب 3 - انس بن مالک 4 - زید بن ابی اوفی 5 - عبد الله بن ابی اوفی 6 - ابن عباس 7 - زید بن أرقم 8 - جابر بن عبدالله 9 - ابوذر غفاری 10 - عامر بن ربیع 11 - عبدالله بن عمر 12 - یعلی بن مرة بن وهب 13 - ابی الطفیل 14 - أسماء بنت عمیس 15 - أبی أمامه 16 - مخدوج بن زید.

همچنین بیش از بیست و پنج نفر از تابعین از این صحابی روایات مؤاخات را بیان کردند که نشان از رشد و انتشار هر می گونه این ماجرا و فضیلت دارد:

۹۹ مبنای مشهور اهل تسنن: «وتلك الكثرة أحد شروط التواتر، إذا وردت - بلا حصر عدد معين، بل تكون العادة قد أحالت توطؤهم على الكذب، وكذا وقوعه منهم اتفاقاً من غير قصد». كثرت نقل به حدی برسد که عادتاً احتمال تبانی بر کذب در آن راه نداشته باشد، و همچنین وقوع کذب از آنها به صورت اتفاقی و بدون قصد هم ممکن نیست. العسقلانی، احمد بن محمد، نزهة النظر: ۱ / ۳۷.

۱۰۰ مبنای غیر مشهور اهل تسنن: « ومنهم من عينه في الأربعة. وقيل: في الخمسة. وقيل: في السبعة. وقيل: في العشرة. وقيل: في الاثني عشر. وقيل: في الأربعين. وقيل: في السبعين. وقيل غير ذلك». تعداد نقل توسط ۴، ۵، ۱۰ و... نفر از صحابی باشد. العسقلانی، احمد بن محمد، نزهة النظر: ۱ / ۳۷-۳۸.

1. علي بن حسين بن علي 2. مكحول الشامي 3. سعيد بن المسيب 4. حكيم بن جبير الكوفي الأسدي
 5. سالم بن أبي حفصة العجلي 6. عبد الرحمن بن علي بن شيبان الحنفي 7. قتادة بن دعامة 8. مطر بن
 طهمان الوراق 9. الصباح بن محارب 10. الحكم بن عتيبة الكندي 11. مقسم بن بجرة 12. محمد بن
 عمر بن علي 13. مطر بن ميمون المحاربي 14. سماك بن حرب 15. عبد الله بن يعلى بن مرة 16.
 زيد بن وهب الجهني 17. عبد الله بن شرحبيل 18. محمد بن علي بن الحسين 19. عثمان بن عبد
 الرحمن 20. عاصم بن سليمان الأحول 21. محمد بن مسلم القرشي الأسدي 22. أبي إسحاق 23.
 المنهال بن عمرو الأسدي 24. عبد الله بن الحارث 25. عطية بن سعد بن جنادة 26. جميع بن عمير
 و....

تصحیح یک سند

هر چند احادیث دال بر برادری بین امیرالمؤمنین علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله در
 حد تواتر و قطعی الصدور است و در این ماجرا شکى وجود ندارد اما از باب نمونه به تصحیح
 سند یک روایت می پردازیم.

نسائی در کتاب خود خصائص علی^{۱۱} که بخشی از کتاب صحیح سنن وی است، روایت برادری
 را با سند صحیح چنین نقل نموده است:

«أخبرنا الفضل بن سهل قال حدثنا عفان بن مسلم قال حدثنا أبو عوانة عن عثمان بن المغيرة عن أبي
 صادق عن ربيعة بن ناجد أن رجلا قال لعلي يا أمير المؤمنين لم ورث ابن عمك دون عمك قال جمع
 رسول الله صلى الله عليه وسلم أو قال دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم بني عبد المطلب فصنع لهم
 مدا من طعام قال فأكلوا حتى شبعوا وبقي الطعام كما هو كأنه لم يمس ثم دعا بغمر فشربوا حتى رووا
 وبقي الشراب كأنه لم يمس أو لم يشرب فقال يا بني عبد المطلب إني بعثت إليكم بخاصة وإلى الناس

۱۰۱ النسائی، أحمد بن شعيب بن علی الخراسانی، خصائص علی: ص ۸۳ ح ۶۶.

بعامة وقد رأيتهم من هذه الآية ما قد رأيتهم فأيتكم بيايعني على أن يكون أخي وصاحبي ووارثي ووزير ي فلم يقيم إليه أحد فقامت إليه وكنت أصغر القوم سنا فقال اجلس ثم قال ثلاث مرات كل ذلك أقوم إليه فيقول اجلس حتى كان في الثالثة ضرب بيده على يدي ثم قال أنت أخي وصاحبي وورثي ووزير فبذلك ورثت ابن عمي دون عمي».

راوي اول: الفضل بن سهل

نام كامل راوي الفضل بن سهل بن إبراهيم الأعرج، أبو العباس، الخراساني ثم البغدادي الرام

اتصال سند:

ذهبي: حَدَّثَ عَنْهُ: الْأَيْمَةُ السُّتَّةُ سَوَى ابْنِ مَاجَةَ^{١٠٢}، حَدَّثَ عَنْ: ... وَعَفَّانَ^{١٠٣}.

تعديل:

ذهبي: فَضْلُ بْنُ سَهْلٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْبَغْدَادِيِّ (خ، م، د، س، ت) الْحَافِظُ، الْبَارِعُ، الثَّقَّةُ، أَبُو الْعَبَّاسِ الْأَعْرَجُ، الْبَغْدَادِيُّ، الرَّامِ ١٠٤.

نسائي: الفضل بن سهل بن إبراهيم الأعرج البغدادي ثقة^{١٠٥}.

مزى: وَقَالَ أَبُو حَاتِمٍ: صَدُوقٌ. وَقَالَ النَّسَائِيُّ: ثَقَّةٌ. وَذَكَرَهُ ابْنُ حِبَّانٍ فِي كِتَابِ الثَّقَاتِ^{١٠٦}.

راوي دوم: عفان بن مسلم

نام كامل راوي عفان بن مسلم بن عبد الله الباهلي، أبو عثمان الصنفار البصري

١٠٢ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء: ١٢ / ٢١٠.

١٠٣ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء: ١٢ / ٢٠٩ ش ٧٢.

١٠٤ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء: ١٢ / ٢٠٩ ش ٧٢.

١٠٥ النسائي، أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، مشيخة النسائي = تسمية الشيوخ: ص ٩٥ ش ١٥٦.

١٠٦ المزى، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ٢٣ / ٢٢٦.

اتصال سند:

اتصال عفان با شاگردش الفضل در راوی قبل و با استادش ابو عوانة در راوی سوم ثابت است، و همچنین حدیث با لفظ حدثنا از فرد ثقه بیان شده است که دال بر اتصال است.

تعدیل:

ابن حجر: عفان ابن مسلم ابن عبد الله الباهلي أبو عثمان الصغار البصري ثقة ثبت ۱۰۷.

ذهبی: مَوْلَى عَزْرَةَ بْنِ ثَابِتِ الْأَنْصَارِيِّ، الْإِمَامِ، الْحَافِظِ، مُحَدِّثِ الْعِرَاقِ ۱۰۸. قَالَ أَبُو حَاتِمٍ: ثِقَّةٌ، إِمَامٌ. وَقَالَ مَرَّةً أُخْرَى: ثِقَّةٌ، مُتَّقِنٌ، مَتِينٌ. وَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَجَلِيُّ: عَفَّانُ يُكْنَى أَبُو عُثْمَانَ، ثِقَّةٌ، ثَبَّتْ، صَاحِبُ سُنَّةٍ ۱۰۹.

راوی سوم: ابو عوانة

نام کامل راوی الوضاح بن عبد الله الشكري أبو عوانة الواسطي البزاز

اتصال سند:

رَوَى عَنْهُ: ... وَعَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ^{۱۱۱}. اتصال وضاح با استادش در راوی چهارم ثابت می گردد.

ابن حجر: أبو عوانة مشهور بكنيته ثقة ثبت^{۱۱۱}.

ذهبی: أَبُو عَوَانَةَ الْوَضَّاحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيِّ (ع) هُوَ: الْإِمَامُ، الْحَافِظُ، الثَّابِتُ، مُحَدِّثُ الْبَصْرَةِ^{۱۱۱}.

۱۰۷ العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، تقريب التهذيب: ص ۳۹۳ ش ۴۶۲۵.

۱۰۸ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء: ۱۰ / ۲۴۲ ش ۶۵.

۱۰۹ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء: ۱۰ / ۲۴۳.

۱۱۰ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء: ۸ / ۲۱۸.

۱۱۱ العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، تقريب التهذيب: ص ۵۸۰ ش ۷۴۰۷.

۱۱۲ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء: ۸ / ۲۱۷ ش ۳۹.

دارالقطنی: قال الدَّارَقُطْنِيُّ: ثقة^{۱۱۳}.

راوی چهارم: عثمان بن المغيرة

نام کامل راوی عثمان بن المغيرة الثقفي مولا هم، أبو المغيرة الكوفي الأعشى

اتصال سند:

وَعَنْهُ: سُفْيَانُ، وَشُعْبَةُ، وَإِسْرَائِيلُ، وَشَرِيكٌ، وَأَبُو عَوَانَةَ^{۱۱۴}. اتصال عثمان به استادش در راوی پنجم ثابت می گردد.

تعدیل:

ابن حجر: وهو عثمان ابن أبي زرعة ثقة^{۱۱۵}.

ذهبي: وَثَّقَهُ ابْنُ مَعِينٍ، وَقَالَ: هُوَ عُثْمَانُ بْنُ أَبِي زُرْعَةَ^{۱۱۶}. وثقه ابن معين وجماعة^{۱۱۷}.

مغلطاي بن قليچ: وقال أحمد بن صالح العجلي: ثقة. ولما ذكره ابن خلفون في كتاب "الثقات" نسبه

[كنديا] قال: هو ثقة، قاله ابن نمير وغيره. وذكره ابن شاهين في كتاب "الثقات". وذكره ابن حبان

في موضعين من كتاب "الثقات"^{۱۱۸}.

راوي پنجم: ابی صادق

نام کامل راوی أبو صادق الأزدي، الكوفي، قيل اسمه مسلم بن يزيد و قيل عبد الله بن ناجد

اتصال سند:

۱۱۳ جمعی از نویسندگان، موسوعه أقوال أبي الحسن الدارقطني في رجال الحديث وعلله: ۶۹۷/۲.

۱۱۴ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، تاريخ الإسلام: ۳/ ۴۶۲ ش ۲۲۸.

۱۱۵ العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، تقريب التهذيب: ص ۳۸۷ ش ۴۵۲.

۱۱۶ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، تاريخ الإسلام: ۳/ ۴۶۳ ش ۴۵۲.

۱۱۷ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، تذهيب تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ۶/ ۳۲۲.

۱۱۸ البكجری المصری، مغلطای بن قليچ بن عبد الله، إكمال تهذيب الكمال: ۹/ ۱۸۹ ش ۳۶۵۶.

وَعَنْهُ: ... وَعُثْمَانُ بْنُ الْمُغِيرَةِ، وَجَمَاعَةٌ^{١١٩}. عَنْ: رَبِيعَةَ بْنِ نَاجِدٍ^{١٢٠}.

تعديل:

ابن حجر: أبو صادق الأزدي الكوفي قيل اسمه مسلم ابن يزيد وقيل عبد الله ابن ناجد صدوق^{١٢١}.

وثقه يعقوب بن شيبه وابن حبان^{١٢٢}.

مزي: قال يعقوب بن شيبه: ثقة. وذكره ابن حبان في كتاب "الثقات"^{١٢٣}.

راوي ششم: ربيعة بن ناجد

نام كامل راوی ربيعة بن ناجد الكوفي الأزدي، ويقال الأسدي

اتصال سند:

رَوَى عَنْ: عِبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ (ق) ، وَعَبْدَ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، وَعَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ص) . رَوَى عَنْهُ: أَبُو

صَادِقِ الْأَزْدِيِّ (ص ق) ، يُقَالُ (1) : إِنَّهُ أَخُوهُ^{١٢٤}.

تعديل:

ابن حجر: ربيعة ابن ناجد الأزدي الكوفي يقال هو أخو أبي صادق الراوي عنه ثقة^{١٢٥}.

ذكره ابن حبان في كتاب "الثقات". روى له النسائي في "الخصائص" حديثا، وابن ماجه آخر، وقد

وقعا لنا بعلو^{١٢٦}.

١١٩ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، تاريخ الإسلام: ٣ / ١٩١ ش ٢٩٤.

١٢٠ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، تاريخ الإسلام: ٣ / ١٩١ ش ٢٩٤.

١٢١ العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، تقريب التهذيب: ص ٦٤٩ ش ٨١٦٧.

١٢٢ الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، تذهيب تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ١٠ / ٢٩٣.

١٢٣ المزي، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ٣٣ / ٤١٢ ش ٧٤٣٣.

١٢٤ المزي، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ٩ / ١٤٦.

١٢٥ العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، تقريب التهذيب: ص ٢٠٨ ش ١٩١٨.

١٢٦ المزي، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ٩ / ١٤٦.

راوی هفتم: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

ایشان صحابی هستند و از نظر اهل تسنن صحابی عادل است و نیاز به بررسی ندارند.

بنابراین روایات دال بر برادری امیرالمؤمنین علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله حداقل دارای یک سند صحیح است.

اقرار به اعتبار و صحت حدیث

از مهمترین کتبی که به اعتبار این حدیث اقرار کرده است سنن ترمذی است که ترمذی در ذیل آن بیان می‌دارد: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ»^{۱۲۷}.

کنجی شافعی بعد از نقل حدیث می‌نویسد: «هذا حدیث حسن عال صحیح»^{۱۲۸}.

حاکم نیشابوری در کتاب خود یعنی المستدرک علی الصحیحین^{۱۲۹} که بر اساس شروط و نظر بخاری و مسلم آن را تألیف کرده است، این حدیث را نقل نموده است.

ولی الدین خطیب تبریزی در مشکاة المصابیح که در مقدمه آن بیان داشته است که هر حدیثی که به یکی از عالمان بزرگ همچون ترمذی و... نسبت دهم، همانند آن است که به رسول خدا صلی الله علیه و آله اسناد داده‌ام^{۱۳۰}، این حدیث را به نقل از ترمذی بیان کرده است^{۱۳۱}.

ابن عبد البر در الاستیعاب بعد از نقل این حدیث و برخی دیگر از فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌نویسد: «وهذه كلها آثار ثابتة»^{۱۳۲}.

۱۲۷ الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک، سنن الترمذی: ۶/ ۸۴ ح ۳۷۲۰.

۱۲۸ الكنجدی الشافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب: ۱۹۴.

۱۲۹ الحاکم النیشابوری، محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۵-۱۶ ح ۴۲۸۸ و ۴۲۸۹.

۱۳۰ التبریزی، محمد بن عبد الله الخطیب العمری، مشکاة المصابیح: ۶/ ۱.

۱۳۱ التبریزی، محمد بن عبد الله الخطیب العمری، مشکاة المصابیح: ۳/ ۱۷۲۱.

۱۳۲ النمری القرطبی، یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب: ۳/ ۱۱۰۰.

محب‌الدین طبری در *الریاض‌النضرة* بعد از اینکه احادیث دال بر برادری و مؤاخات را نقل کرده در ادامه مطلبی بیان می‌دارد که دلالت دارد بر اینکه طبری این احادیث را پذیرفته است و در نتیجه به آن استدلال می‌نماید، طبری می‌نویسد: «ومن أدل دلیل علی عظیم منزلته من رسول الله صلی الله علیه وسلم صنیعه فی المؤاخاة کما تقدم، فإنه صلی الله علیه وسلم جعل يضم الشكل إلى الشكل یؤلف بينهما إلى أن آخی بین ابی بکر وعمر، وادخر علیا لنفسه وخصه بذلك، فیا لها من مفخرة وفضیلة»^{۱۳۳}، بهترین دلیل بر عظمت مقام و جایگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزد پیامبر، مؤاخات و برادری ایشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله افراد هم‌سنخ و هم‌شکل را برای یکدیگر انتخاب می‌کرد، و بین آنان الفت ایجاد می‌نمود تا اینکه بین ابوبکر و عمر این الفت و برادری را ایجاد کرد، و برای خود امیرالمؤمنین علی علیه السلام را انتخاب کرد و این امر یک فضیلت و افتخار است.

البوصیری عالم قرن نهم اهل تسنن در خود *مصباح‌الزجاجة* بعد از نقل این حدیث، سند آن را صحیح دانسته و تمام راویان آن را توثیق کرده است^{۱۳۴}.

همچنین یکی از ناقلین حدیث مؤاخات و برادری، سعید بن مسیب است که ابن حجر عسقلانی در مورد او می‌نویسد مرسلات سعید بن مسیب صحیح هستند و صحیح‌تر از آن وجود ندارد^{۱۳۵}.

و همچنین این تابعی از راویان بخاری است و بخاری روایات مرسل در صحیح خود از او نقل نموده است^{۱۳۶}.

۱۳۳ الطبری، أحمد بن عبد الله بن محمد، *الریاض‌النضرة فی مناقب‌العشرة*: ۳/ ۱۸۷.

۱۳۴ البوصیری، شهاب‌الدین احمد بن ابی بکر، *مصباح‌الزجاجة*: ۱/ ۲۰.

۱۳۵ «أحد العلماء الأثبات الفقهاء الكبار اتفقوا علی أن مرسلاته أصح المراسیل وقال ابن المدینی لا أعلم فی التابعین أوسع علما منه» العسقلانی، أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، *تقریب‌التهدیب*: ۲۴۱ ش ۲۳۹۶.

۱۳۶ البخاری، محمد بن إسماعیل، *صحیح‌البخاری*: ۴/ ۱۸۶ ح ۳۵۳۶ و ۵/ ۱۴۵ ح ۴۲۵۷ و ۶/ ۱۵ ح ۴۴۶۶ و ۷/ ۱۳۵ ح ۵۷۵۹ و ۸/ ۴۴۰ ح ۶۱۹۳.

يقوى بعضها ببعض

بر فرض اینکه تمام این روایات را ضعیف بدانیم، در بحث علوم حدیث مطرح گردیده است که بعضی روایات با بعض دیگر تقویت می گردند و مورد پذیرش واقع می شود، این قانون در مورد این ماجرا نیز صادق است.

ابن حجر عسقلانی در جواب به ابن تیمیه که منکر حدیث مؤاخات گردیده، بیان می دارد که مقدسی در کتاب *الاحادیث المختارة* ماجرای مؤاخات بین مهاجر و انصار را ذکر کرده است و از نظر ابن تیمیه این کتاب قوی تر و صحیح تر از کتاب *المستدرک* است، در نتیجه با ضمیمه کردن حدیث مؤاخات بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی علیه السلام به آن حدیث مذکور در *الاحادیث المختارة* این حدیث نیز تقویت می شود و مورد پذیرش است^{۱۳۷}.

ابن جزری در کتاب *مناقب الأسد الغالب علی بن ابي طالب* بعد از نقل روایات مربوطه می نویسد: «وإن كانت كلها ضعيفة لكن بهذه المتابعات والشواهد يقوى بعضها ببعض والله أعلم»^{۱۳۸}.

۱۳۷ «قلت: وأخرجه الضياء في المختارة من المعجم الكبير للطبراني، وابن تیمیه یصرح بأن أحادیث المختارة أصح وأقوى من أحادیث المستدرک، وقصة المؤاخاة الأولى أخرجها الحاكم من طريق جميع بن عمير، عن ابن عمر: أخی رسول الله صلی الله علیه وسلم بین ابي بكر، وعمر، وبين طلحة، والزبير، وبين عبد الرحمن بن عوف، وعثمان - وذكر جماعة قال - فقال علی: یا رسول الله إنک آخیت بین أصحابک فمن أخی؟ قال: أنا أحوک. وإذا انضم هذا إلى ما تقدم تقوى به»: العسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، فتح الباری: ۷ / ۲۷۱.

۱۳۸ الجزری، محمد بن محمد بن یوسف، مناقب الأسد الغالب علی بن ابي طالب: ۲۲.

فصل سوم: دلالت حدیث مؤاخات بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

قبل از ورود به بحث و استدلال با این ماجرا بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باید سه نکته مهم را در نظر داشت:

نکته 1. یک طرف قضیه مؤاخات شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار دارد که برترین و کامل ترین و شایسته ترین انسان است و در همه امور بالاترین رتبه و جایگاه را دارا می باشد.

نکته 2. تمام اعمال و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسیر الهی و حق و به فرمان خدای متعالی و با رضایت الهی است، بنابراین ایشان کاری که ذره ای خارج از این مسیر و رضایت الهی باشد انجام نمی دهند و تمام کارهای ایشان صواب و درست و مورد رضایت الهی است.

نکته 3. ماجرای مؤاخات حق و حقوق خاص و ویژه ای را برای طرفین برادری ایجاد می نماید^{۱۳۹} که این امور فراتر از حقوق و اموری است که به صرف اسلام آوردن و مسلمان شدن در بین مسلمانان به طور عمومی و کلی جاری است.

با در نظر گرفتن این سه نکته به چند وجه می توان با این ماجرا استدلال بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نمود.

استدلال به اصل مؤاخات و برادری بدون هیچ قید

یکی از فضیلت ها و ویژگی هایی که دلالت بر برتری یک شخص بر سایر افراد می نماید، هم شأن و هم رتبه بودن او با رسول خدا صلی الله علیه و آله است. همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و

۱۳۹ طبق برخی نقل ها آیه ۷۲ سوره انفال به این مطلب اشاره دارد. و همچنین برخی از علمای اهل تسنن چنین بیان کرده اند: «أَنَّ تَنْزِيلَهُ مَنْزِلَةً نَفْسِكَ وَتَرْضَى بِمُشَارَكَةِ إِبْرَاهِيمَ فِي مَالِكَ وَتُزْوِلُهُ مِنْزِلَتَكَ حَتَّى تَسْمَحَ بِمُشَاوَرَتِهِ فِي الْمَالِ... أَنْ تُؤَثِّرَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَتَقْدَمَ حَاجَتُهُ عَلَى حَاجَتِكَ»، او را نازل منزل خود قرار دهی و راضی باشی که او در مال تو شریک شود و اجازه مشارکت در مال به او بدهی... او را بر خود ترجیح دهی و حاجت های او را بر حاجت های خود ترجیح دهی. إحياء علوم الدين: ۱۷۳ / ۲.

آله بالاترین مقام و جایگاه را در اختیار دارد، کسی که هم درجه و هم کفو او باشد نیز دارای آن جایگاه و مقام است، در غیر اینصورت کفو بودن و هم شأن بودن معنا پیدا نمی‌کند.

فضیلت مؤاخات و برادری از اموری است که دلالت دارد بر اینکه کسی که با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برادر می‌شود، کفو پیامبر و در شأن و جایگاه و منزلت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار دارد و فضیلتی برای او محسوب می‌شود. از این سو است که محمد بن طلحه شافعی بعد از نقل حدیث مؤاخات می‌نویسد: «و فی ذلک ما یؤذن بعظم قدر علیّ و شرف محلّه و المآل»^{۸۸}. و در آن - پیوند برادری - چیزی است که بر عظمت قدر و مقام و شرافت جایگاه و سرنوشت علی - علیه السلام - دلالت دارد.

با بررسی در روایات مشاهده می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله بین افرادی که با هم در یک شأن و مقام هستند^{۸۹} برادری و پیوند ایجاد نموده است، همانطور که محمد بن طلحه شافعی می‌نویسد: «انظر ایدک الله بنور منه الی التناسب فی المیراث و التقارب فی التصاحب بین کل اثین من المتأخین المذکورین فانه لو لم یکن تقارب التعادل فی مراتب المنازل حاصلًا لمن تأخیا لما انتظم المقصد المطلوب من المؤاخات فی سلك الكمال»^{۹۰}. خداوند شما را به نور خود یاری کند، به تناسب ارث و نزدیکی در مصاحبت بین هر یک از دو برادر که ذکر شد، بنگرید، اگر قرب و برابری در منزلت و مقام برای برادرانی که با یکدیگر پیوند برقرار کردند نبود، هدف و مقصود از برادری در مسیر کمال و رشد که ایجاد شده بود محقق نمی‌شد.

زمانی که نوبت به انتخاب برادر برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، غیر از علی بن ابی طالب علیهما السلام کسی دیگر را برای خود انتخاب ننمودند. این انتخاب بر هم کفو بودن

۱۴۰ النصبی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل: ۸۸

۱۴۱ «فکان یؤاخی بین الرجل ونظیره» المغازلی، علی بن محمد بن محمد بن الطیب، مناقب علی لابن المغازلی: ۹۰.

۱۴۲ النصبی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل: ۸۸

و هم شأن و مقام بودن علی بن ابی طالب علیهما السّلام با رسول خدا صلّی الله علیه و آله دلالت دارد، همانطور که آیه مباهله نیز بر این مطلب دلالت دارد که پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علی علیه السّلام را به عنوان نفس خود معرفی کردند، و چون رسول خدا صلّی الله علیه و آله بالاترین مقام را دارا می‌باشند، پس هم کفو او نیز بالاترین مقام را در مقابل سایرین دارا می‌باشد، در نتیجه کسی که هم درجه رسول خدا صلّی الله علیه و آله و برتر از سایر افراد است، افضل است، و کسی که افضل است، امام و جانشین رسول خدا صلّی الله علیه و آله است^{۱۴۳}.

برداشت دیگری که از حدیث مؤاخات به دست می‌آید این می‌باشد که رسول خدا صلّی الله علیه و آله از این کار امری فراتر از برادری دینی را اراده کرده است، زیرا اگر هدف فقط ایجاد برادری دینی بین مسلمین می‌بود معنا نداشت تا در این برادری بعضی را مختص بعض دیگر قرار دهد، بنابراین مشخص است که هدفی فراتر مورد نظر بوده است و آن هدف چیزی نیست جزء ایجاد اختصاص و قرب بین دو برادر، در نتیجه وقتی رسول خدا صلّی الله علیه و آله این اختصاص و قرب را برای خود و امیرالمؤمنین علی علیه السّلام ایجاد می‌نماید، دلالت می‌کند که امیرالمؤمنین علی علیه السّلام اخص و اقرب مردم به رسول خدا صلّی الله علیه و آله است و در نتیجه افضل از دیگران است و کسی که افضل است امام است.

استدلال به مؤاخات در دنیا و آخرت

در بخشی از حدیث مؤاخات می‌بینیم رسول خدا صلّی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرمودند: «أنت أخی فی الدنیا و الآخرة» یعنی یا علی تو هم در این دنیا و هم در آخرت به عنوان برادر من هستی. از این تعبیر می‌توان چنین استدلال کرد، کسی که چنین جایگاه و مقامی دارد که در آخرت نیز برادر رسول خدا صلّی الله علیه و آله باشد، افضل از دیگران است به

۱۴۳ طبق ادله عقلی و نقلی از دیدگاه شیعه امام باید افضل و برتر از سایرین باشد، اما از نظر اهل تسنن عده‌ای تقدم مفضول را نیز جایز می‌دانند و عده‌ای تقدم افضل را ارجح می‌دانند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: کشف المراد: ص ۱۸۷، المسلك فی اصول الدین: ص ۱۹۸، تمهید الاوائل: ص ۴۷۱، ابن تیمیة در بحث خلافت ابوبکر می‌گوید: «مردم او را مقدم بر دیگران داشتند، زیرا او افضل مردم بود» منهاج السنة: ۶ / ۴۵۶ و ۸ / ۵۶۵ و...

خصوص اینکه فضیلتی است که تنها نصیب ایشان شده است و کسی دیگر با او در این امر شریک نیست، و کسی که افضل است امام است و علی بن ابی طالب علیهما السّلام افضل و امام است.

استدلال به مؤاخات همراه با الفاظ وصی، خلیفتی، وارثی

در برخی از نقل‌های حدیث مؤاخات برادری در کنار الفاظ دال بر وصایت، خلافت و وراثت آمده است که این الفاظ خود به تنهایی و بی قید و شرط دلالت بر امامت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله دارند، از سیاق این عبارات و ذکر شدن اخوت و برادری در کنار این الفاظ که خود به تنهایی دلالت بر جانشینی و امامت دارند، می‌توان این برداشت را کرد که اخوت نیز دلالت بر جانشینی و قائم مقام نبی بودن و امامت شخص برادر دارد، بنابراین طبق این نقل‌ها نیز می‌توان از حدیث مؤاخات و برادری به جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام بر حق رسید، و او کسی نیست غیر از علی بن ابی طالب علیهما السّلام.

نوشته سر در بهشت

یکی از نقل‌های دال بر برادری امیرالمؤمنین علیه السّلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله این جمله نوشته شده بر سر در بهشت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند بر سر در بهشت نوشته شده است: «مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ»^{۱۴۴}؛ از این رو می‌توان چنین استدلال کرد کسی که فقط نام او بر سر در بهشت در کنار نام اعظم الهی و رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر می‌گردد و او را برادر رسول معرفی می‌نمایند، دارای یک خصوصیت ویژه به صورت اختصاصی است که دیگران چنین خصوصیتی ندارند، بنابراین چنین شخصی با داشتن این صفت اختصاصی^{۱۴۵} افضلیت و برتری بر سایر افراد دارد پس او امام است.

۱۴۴ رجوع شود به عبارت هشتم.

۱۴۵ فخر رازی عالم بزرگ اهل تسنن در ذیل آیه غار همراهی ابوبکر با رسول خدا صلی الله علیه و آله را که به صفت و ویژگی اختصاصی است را بالاترین امتیاز و دال بر افضلیت ابوبکر می‌داند و این مفهوم کاملاً و به روشنی از مجموع کلام و استدلالات وی استفاده می‌شود. مضافاً به اینکه خود او نیز می‌گوید: «إنه تعالی وصف أبابکر بكونه صاحباً للرسول و ذلك يدل على كمال الفضل». از این عبارت به وضوح به دست می‌آید که مراد فخر رازی

مؤاخات و ألفت

یکی از آثار پیوند مؤاخات ایجاد اُنس و ألفت بین دو شخصی که با یکدیگر برادر گردیده‌اند، است. هر چند رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به تمام اُمت خود اُنس و محبت دارند، اما وقتی این برادری را اختصاص به یک شخص می‌دهند و نسبت به او آن را پررنگ‌تر و به طور خاص ابراز می‌نمایند، نشان از اُنس و ألفت خاص و ویژه با یک شخص دارد، بنابراین کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به او اُنس و ألفت خاصی دارد که آن را به دیگران اختصاص نداده است بلکه مخصوص یک نفر گردانیده است از دیگران برتر و افضل است، و افضل از دیگران امام است، در نتیجه علی بن ابی طالب علیهما السلام امام و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

بهترین برادر

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی به طور صریح می‌فرماید «خیر اخوانی علی»^{۱۴۶} بهترین برادر من علی علیه السلام است، از این رو چنین استدلال می‌شود که باتوجه به اینکه کلمه «خیر» افعال التفضیل است، یعنی به طور صریح رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل بودن امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بیان می‌دارند، در نتیجه کسی که افضل است امام است.

ترجیح دادن برادر بر خود و فدا کردن جان برای او

یکی از حقوق برادری این است که برادر خود را بر خود ترجیح دهید که اینک غزالی و بزرگان اهل تسنن به این نکته اشاره کرده و می‌نویسد این عمل بالاترین درجه برادری است و نتیجه آن از جان گذشتگی برای برادر است: «الثالثة وهي العلیا أن تؤثره علی نفسك وتقدم حاجته علی حاجتك وهذه مرتبة الصديقین ومنتهی درجات المتحابین ومن ثمار هذه الرتبة الإیثار بالنفس»^{۱۴۷}. بنابراین

از بیان این وجوه و پافشاری بر اثبات آنها، اصرار بر اثبات افضلیت ابوبکر است. و این ویژگی مختص به ابوبکر است بیان می‌دارد که ابوبکر کمال افضلیت را دارا می‌باشد. مفاتیح الغیب: ۱۶ / ۵۱. ابن تیمیه نیز در ذیل آیه غار می‌نویسد این فضیلت برای غیر از ابوبکر واقع نشده است، و «الافضلیة انما تثبت بالخصائص لا بالمشترکات» و صفت و ویژگی اختصاصی سبب افضلیت است. منهاج السنة النبویة: ۷ / ۱۲۱.

۱۴۶ رجوع شود به عبارت دهم از فصل اول.

۱۴۷ الغزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدین: ۲ / ۱۷۳؛ الصنعانی، محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد، التتویر شرح الجامع الصغیر: ۲ / ۳۵۳.

می‌توان چنین استدلال کرد، کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بر خود مقدم می‌دارد و منافع او را ترجیح می‌دهد و حاضر است جان خود را برای او فدا کند دارای مقام و جایگاه ویژه و بالایی است، زیرا که هیچ جان و منافی بالاتر و برتر از جان و منافع رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست، در نتیجه چنین شخصی که رسول خدا او را بر خود ترجیح می‌دهند افضل و برتر از دیگران است، و افضل امام است.

افتخار و مناشده امیرالمؤمنین علیه السلام به برادری با رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از اموری که بارها امیرالمؤمنین علی علیه السلام به آن افتخار کرده و در مناشدات^{۱۴۸} خود با صحابه آن را مطرح نموده است، ارتباط برادری ایشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله است^{۱۴۹}. از این رو می‌توان چنین گفت که اولاً با توجه به عدم مخالفت و موضع‌گیری صحابه در برابر این مناشده این ماجرا معتبر و صحیح در نظر آنان بوده است، و ثانیاً صحابه نیز از این افتخار و مناشده فضل و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام را درک و برداشت می‌کردند، در نتیجه کسی که چنین فضل و برتری دارد که دیگران آن را ندارند افضل از سایرین است و افضل از سایرین امام و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۱۴۸ مناشده اینگونه بوده است که حضرت امیر افراد را قسم می‌دادند و از آنان نسبت به کلام و فعلی که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده بودند و آنان شاهد آن بودند اقرار می‌گرفتند. مثلاً نسبت به واقعه غدیر حضرت مناشده کردند.
۱۴۹ مراجعه شود به عبارت نهم.

فصل چهارم: پاسخ به شبهات

یکی از شبهات مطرح در رابطه با ماجرای مؤاخات ادعای همیشگی ابن تیمیه نسبت به فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام است. ابن تیمیه با درک این مسئله که این عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله موجب فضیلت و برتری امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام بر سایر مسلمین و خلفاء اهل تسنن است، این ماجرا را منکر می‌گردد و می‌نویسد حدیث مؤاخات موضوع است و اصلاً مؤاخاتی صورت نگرفته. «وَمِنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يُؤَاخِ عَلِيًّا وَلَا غَيْرَهُ، وَحَدِيثُ الْمُؤَاخَاةِ لِعَلِيٍّ وَمُؤَاخَاةِ أَبِي بَكْرٍ لِعُمَرَ مِنَ الْأَكَاذِبِ»^{۱۰۱}.

در پاسخ به ابن تیمیه باید گفت که یا باید بزرگان خود را تکذیب نمایی زیرا همانطور که بیان شد آن‌ها این حدیث را به طور مکرر در کتب خود نقل کرده‌اند و هیچ یک نسبت وضع به این احادیث نداده‌اند، پس در نتیجه طبق استدلال تو آن‌ها کذاب و وضاع هستند زیرا حدیثی در کتاب خود نقل کرده‌اند که موضوع است ولی اشاره‌ای به موضوعیت آن نکرده‌اند، و یا قبول نمایی که این حدیث موضوع نیست و از سر عداوت و کینه توزی آن را موضوع می‌دانی.

شبهه دیگر ابن تیمیه این مورد است که پیوند مؤاخات فقط بین مهاجرین و انصار بوده نه بین دو مهاجر. «وَإِنَّمَا آخَى بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَلَمْ يُؤَاخِ بَيْنَ مُهَاجِرِيٍّ وَمُهَاجِرِيٍّ»^{۱۰۲}.

پاسخ این شبهه نیز از اقوال بزرگان اهل تسنن کاملاً واضح است. بیان شد که بزرگان اهل تسنن گفته‌اند: اولاً مؤاخات دو مرتبه صورت گرفته است یک مرتبه در مکه و یک مرتبه در مدینه. ثانیاً تصریح کرده‌اند مؤاخات بین دو مهاجر هم بوده است کما اینکه در نقل‌های مکرر پیوند و مؤاخات رسول خدا صلی الله علیه و آله را با امیرالمؤمنین علیه السلام بیان داشته‌اند.

۱۰۱ الحرائی، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله، منهاج السنة النبویة: ۵ / ۷۱.

۱۰۲ الحرائی، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله، منهاج السنة النبویة: ۵ / ۷۱.

نتیجه

در فصل اول متون مختلف دال بر مؤاخات و برادری رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بیان گردید.

با توجه به آنچه در فصل دوم بیان شد حدیث مؤاخات از معتبرترین احادیث منقول در کتب اهل تسنن است که به طور متواتر نقل گردیده و بزرگان اهل تسنن به صحت آن نیز اشاره و اعتراف داشته‌اند، و ما نیز صحت یک طریق آن را به اثبات رساندیم.

در فصل سوم نیز با توجه به اعتبار این حدیث و قطعی الصدور بودن آن، ثابت نمودیم این حدیث دلالت بر افضلیت و برتری شخصی دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را برادر خود انتخاب نموده است، زیرا که انتخاب برادرها بر اساس شباهت طرفین با یکدیگر صورت گرفته است، و شبیه‌ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله که به عنوان برادر او انتخاب گردید امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام بوده است، و کسی که شبیه‌ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله است همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله بالاترین جایگاه و مقام و ثواب و... را دارا می‌باشد او نیز دارا می‌باشد تا این شباهت معنا پیدا نماید، در نتیجه افضل و برتر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی است که شبیه‌ترین افراد به او است، و او امام و جانشین پیامبر است، پس امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام که برادر و شبیه‌ترین افراد به رسول خدا صلی الله علیه و آله است امام و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

در فصل چهارم نیز شبهه‌ای که ابن تیمیه مطرح کرده بود پاسخ دادیم و گفتیم که در فصل دوم اعتبار حدیث ثابت گردیده و بزرگان اهل تسنن نیز اعتراف کردند.

منابع

ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع الهاشمي، الطبقات الكبرى، محقق: محمد عبد القادر عطا، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1410 هـ.

ابن عساكر، علي بن الحسن بن هبة الله، تاريخ دمشق، محقق: عمرو بن غرامة العمروي، چاپ اول، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، 1415 هـ.

ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني، سنن ابن ماجه، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، چاپ اول، دار الرسالة العالمية، 1430 هـ.

ابن ملقن، عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري، التوضيح لشرح الجامع الصحيح، محقق: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، چاپ اول، دار النوادر، دمشق - سوريا، 1429 هـ.

الاصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، السعادة - بجوار محافظة مصر، 1394 هـ.

الاصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق، فضائل الخلفاء الراشدين لأبي نعيم الأصبهاني، محقق: صالح بن محمد العقيل، چاپ اول، دار البخاري للنشر والتوزيع، المدينة المنورة، 1417 هـ.

الاصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق، معرفة الصحابة، محقق: عادل بن يوسف العزازي، چاپ اول، دار الوطن للنشر، الرياض، 1419 هـ.

الآجري، محمد بن الحسين بن عبد الله، الشريعة، محقق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، چاپ دوم، دار الوطن - الرياض / السعودية، 1420 هـ.

الباقلاني، محمد بن الطيب بن محمد، تمهيد الأوائل في تلخيص الدلائل، محقق: عماد الدين أحمد حيدر، چاپ اول، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان، 1407 هـ.

البخاري، محمد بن إسماعيل، صحيح البخاري، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، چاپ اول، 1422 هـ.

البربري الصوفي، أحمد بن محمد بن زياد بن بشر، معجم شيوخ ابن الأعرابي، محقق: عبد المحسن بن إبراهيم بن أحمد الحسيني، چاپ اول، دار ابن الجوزي، المملكة العربية السعودية، 1418 هـ.

البرغوي، أبو محمد الحسين بن مسعود، تفسير البرغوي، محقق: حقه وخرج أحاديثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، چاپ چهارم، دار طيبة للنشر والتوزيع، 1417 هـ.

البرغوي، حسين بن مسعود بن محمد بن الفراء، مصابيح السنة، محقق: الدكتور يوسف عبد الرحمن المرعشلي، محمد سليم إبراهيم سمارة، جمال حمدي الذهبي، چاپ اول، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، 1407 هـ.

البرغوي، عبد الله بن محمد بن عبد العزيز، معجم الصحابة، محقق: محمد الأمين بن محمد الجكني، چاپ اول، مكتبة دار البيان - الكويت، 1421 هـ.

البكجری المصری، مغلطي بن قليج بن عبد الله، اكمال تهذيب الكمال، محقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، چاپ اول، الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، 1422 هـ.

البوصيري، شهاب الدين احمد بن ابى بكر، مصباح الزجاجة، محقق: محمد المنتقى الكشناوي، چاپ دوم، دار العربية - بيروت، 1403 هـ.

التبريزي، محمد بن عبد الله الخطيب العمري، مشكاة المصابيح، محقق: محمد ناصر الدين الألباني، چاپ سوم، المكتب الإسلامي - بيروت، 1985 م.

الترمذی، محمد بن عيسى بن سَورة بن موسى بن الضحاک، سنن الترمذی، محقق: بشار عواد معروف، چاپ اول، دار الغرب الإسلامي - بيروت، 1996 م.

التميمي الموصل، أحمد بن علي بن المثنى بن يحيى، مسند أبي يعلى، محقق: حسين سليم أسد، چاپ اول، دار المأمون للتراث - دمشق، 1404 هـ.

الثعلبي، أحمد بن محمد بن إبراهيم، الكشف و البيان، محقق: الإمام أبي محمد بن عاشور، چاپ اول، دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، 1422 هـ.

الجزري، المبارك بن محمد بن محمد بن محمد، جامع الأصول، محقق: عبد القادر الأرناؤوط - التتمة تحقيق بشير عيون، چاپ اول، مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، 1389 هـ - 1392 هـ.

الجزري، علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم، الكامل في التاريخ، محقق: عمر عبد السلام تدمري، چاپ اول، دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، 1417 هـ.

الجزري، محمد بن محمد بن يوسف، مناقب الأسد الغالب علي بن أبي طالب، محقق: طارق الطنطاوي، چاپ اول، مكتبة القرآن، 1994 م.

جمعی از نویسندگان (الدكتور محمد مهدي المسلمي - أشرف منصور عبد الرحمن - عصام عبد الهادي محمود - أحمد عبد الرزاق عيد - أيمن إبراهيم الزاملي - محمود محمد خليل)، موسوعة أقوال أبي الحسن الدارقطني في رجال الحديث وعلله، چاپ اول، عالم الكتب للنشر والتوزيع - بيروت، لبنان، 2011 م.

الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم، زاد المعاد في هدي خير العباد، چاپ بیست و هفتم، مؤسسة الرسالة، بيروت - مكتبة المنار الإسلامية، الكويت، 1415 هـ.

الحاكم النيسابوري، محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1411 هـ.

الحراني، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله، منهاج السنة النبوية، محقق: محمد رشاد سالم، چاپ اول، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، 1406 هـ.

الحسنى الفاسى، تقي الدين محمد بن أحمد، العقد الثمين فى تاريخ البلد الأمين، محقق: محمد عبد القادر عطا، چاپ اول، دار الكتب العلمية، بيروت، 1998 م.

الحميرى، سليمان بن موسى بن سالم بن حسان، الاكتفاء بما تضمنه من مغازي رسول الله والثلاثة الخلفاء، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1420 هـ.

الحميرى، عبد الملك بن هشام بن أيوب، سيرة ابن هشام، مصطفى السقا وإبراهيم الأبياري وعبد الحفيظ الشلبي، چاپ دوم، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، 1375 هـ.

الخطيب التبريزى، أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد، تاريخ بغداد وذيوله، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1417 هـ.

الدارمى، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ، السيرة النبوية وأخبار الخلفاء، تصحيح و تعليق: الحافظ السيد عزيز بك وجماعة من العلماء، چاپ سوم، الكتب الثقافية - بيروت، 1417 هـ.

الدارمى، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان، الثقات، چاپ اول، دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد الدكن الهند، 1393 هـ.

الديلمى، شيرويه بن شهردار بن شيرويه، الفردوس بمأثور الخطاب، محقق: السعيد بن بسيوني زغلول، چاپ اول، 1406 هـ.

الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، سير أعلام النبلاء، محقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، چاپ سوم، مؤسسة الرسالة، 1405 هـ.

الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايما، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير و الأعلام، محقق: الدكتور بشار عواد معروف، چاپ اول، دار الغرب الإسلامى، 2003 م.

الرازي، محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، مفاتيح الغيب، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربى، بيروت، 1420 هـ.

السهمودي، علي بن عبد الله بن أحمد الحسني، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1419 هـ.

السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، الفتح الكبير في ضم الزيادة إلى الجامع الصغير، محقق: يوسف النبهاني، چاپ اول، دار الفكر - بيروت / لبنان، 1423 هـ.

السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، تاريخ الخلفاء، محقق: حمدي الدمرداش، چاپ اول، مكتبة نزار مصطفى الباز، 1425 هـ.

شهاب الدين أبو العباس أحمد بن حسين بن علي، شرح سنن أبي داود لابن رسلان، چاپ اول، دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، الفيوم - جمهورية مصر العربية، 1437 هـ.

الشيبياني، أحمد بن عمرو بن الضحاك، السنة، محقق: محمد ناصر الدين الألباني، چاپ اول، المكتب الإسلامي - بيروت، 1400 هـ.

الشيخ، علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر، تفسير الخازن لباب التأويل في معاني التنزيل، تصحيح: محمد علي شاهين، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1415 هـ.

الشيبياني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، فضائل الصحابة، محقق: د. وصي الله محمد عباس، چاپ اول، مؤسسة الرسالة - بيروت، 1043 هـ.

الشيبياني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، مسند أحمد، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، چاپ اول، مؤسسة الرسالة، 1421 هـ.

الصنعاني، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد، التنوير شرح الجامع الصغير، محقق: د. محمد إسحاق محمد إبراهيم، چاپ اول، مكتبة دار السلام، الرياض، 1432 هـ.

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير، المعجم الأوسط، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، دار الحرمين - القاهرة، 1415 هـ.

الطبري، أحمد بن عبد الله بن محمد، الرياض النضرة في مناقب العشرة، چاپ اول، دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ هـ.

الطبري، أحمد بن عبد الله، ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى، دار الكتب المصرية، ونسخة الخزانة التيمورية، 1356 هـ.

الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير، تهذيب الآثار مسند علي، محقق: محمود محمد شاكر، مطبعة المدني - القاهرة بي تا.

العسبي، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان، المصنف، محقق: كمال يوسف الحوت، چاپ اول، مكتبة الرشد - الرياض، 1409 هـ.

عزالدين بن الاثير، علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم، أسد الغابة في معرفة الصحابة، محقق: علي محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، چاپ اول، دار الكتب العلمية، 1415 هـ.

العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر، فتح الباري، دار المعرفة - بيروت، 1379 هـ.

العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، الإصابة في تمييز الصحابة، محقق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1415 هـ.

العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، المطالب العالية محققا، چاپ اول، دار العاصمة للنشر والتوزيع - دار الغيث للنشر والتوزيع، 1419 هـ - 1420 هـ.

العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، تقريب التهذيب، محقق: محمد عوامة، چاپ اول، دار الرشيد - سوريا، 1406 هـ.

العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، محقق: عبد الله بن ضيف الله الرحيلي، چاپ اول، مطبعة سفير، رياض، 1422 هـ.

العصامي، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي، محقق: عادل أحمد عبد الموجود - علي محمد معوض، چاپ اول، دار الكتب العلمية - بيروت، 1419 هـ.

علامه حلى، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد قسم الاهليات، محقق: جعفر سبحانى، چاپ دوم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، 1382 ش.

العيني، محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، دار إحياء التراث العربي - بيروت، بيتا.

الغزالي، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، دار المعرفة - بيروت، 1402 هـ.

القرشي البصري، إسماعيل بن عمر بن كثير، البداية والنهاية، محقق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، چاپ اول، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، 1418 هـ.

القسطلاني، أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك، إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، چاپ هفتم، المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، 1323 هـ.

الكنجى الشافعى، محمد بن يوسف، كفاية الطالب، چاپ سوم، دار احياء تراث اهل البيت، تهران - ايران، 1404 هـ.

المتقي الهندي، علي بن حسام الدين ابن قاضي خان، كنز العمال، محقق: بكري حيايى - صفوة السقا، چاپ پنجم، مؤسسة الرسالة، 1401 هـ.

محقق حلى، المسلك في أصول الدين و الرسالة الماتعية، چاپ اول، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، 1414 هـ.

المزى، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، تهذيب الكمال في أسماء الرجال، محقق: د. بشار عواد معروف، چاپ اول، مؤسسة الرسالة - بيروت، 1400 هـ.

المغازلى، علي بن محمد بن محمد بن الطيب، مناقب علي لابن المغازلي، محقق: أبو عبد الرحمن تركي بن عبد الله الوادعي، چاپ اول، دار الآثار - صنعاء، 1424 هـ.

الملك المؤيد، عماد الدين إسماعيل بن علي بن محمود بن محمد، المختصر في أخبار البشر، چاپ اول، لمطبعة الحسينية المصرية، بيتا.

المنأوى، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف، فيض القدير، چاپ اول، المكتبة التجارية الكبرى - مصر، 1356 هـ.

النسائي، أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، خصائص علي، محقق: أحمد ميرين البلوشي، چاپ اول، مكتبة المعلا - الكويت، 1406 هـ.

النسائي، أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، سنن الكبرى، محقق: حسن عبد المنعم شلبي، چاپ اول، مؤسسة الرسالة - بيروت، 1421 هـ.

النسائي، أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، مشيخة النسائي = تسمية الشيوخ، محقق: الشريف حاتم بن عارف العوني، چاپ اول، دار عالم الفوائد - مكة المكرمة، 1423 هـ.

النصيبى، محمد بن طلحة، مطالب السؤل، مؤسسة البلاغ - ايران، بى تا.

النمرى القرطبى، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، محقق: علي محمد البجاوي، چاپ اول، دار الجليل، بيروت، 1412 هـ.

النووى، محيي الدين يحيى بن شرف، تهذيب الأسماء واللغات، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، بى تا.

المروى، علي بن سلطان محمد، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، چاپ اول، دار الفكر، بيروت - لبنان، 1422 هـ.

هيثمى، نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، محقق: حسام الدين القدسي، مكتبة القدسي، القاهرة، ١٤١٤ هـ.

الهيتمي، أحمد بن محمد بن علي بن حجر، الفتاوى الحديشية لابن حجر الهيتمي، دار الفكر، بى تا.

اليعمرى، محمد بن محمد بن محمد بن سيد الناس، عيون الأثر، تعليق: إبراهيم محمد رمضان، چاپ اول، دار القلم - بيروت، 1414 هـ.